

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

استاد ستار حبیب  
۱۷ جنوری ۲۰۲۰



## "تا نپاشد چوب تر فرمان نبرد گاو و خر"

بعد از ختم کار روزانه و مراجعت به خانه صرف نان و چای که در بین صحبت هائی هم از آن روز با اعضای خانواده صورت می گیرد سپس مصروف خواندن اخبار روز می شوم و هم سری به فیسبوک می زنم و در اخر بادیدن برنامه های تفریحی به بستر خواب می روم .

منظورم از دیدن این برنامه ها دو چیز است : یکی گستردگی فساد را در جامعه می بینم که چه سرسام آور و لگام گسیخته گسترش یافته و بعداً متوجه نتایج شوم جنگ می شوم که تمام ارزش های اخلاقی و اجتماعی را بر باد داده است گاهی می خندم و سپس فکر می نمایم که برای اعمار يك جامعه انسانی چه بار سنگینی را جنگ بردوش مردمان امروزی و نسل های آینده گذاشته است . نسلی که هیچ بهره ای از يك زندگی به مفهوم واقعی آن نداشته اما زمان چه بار وزین مسؤولیت عظیم را بار دوش آنها نموده است آنها اعمار همه جانبه يك سر زمین ویران شده است .

در یکی از برنامه های تفریحی و آموزشی به نام (برق لچ) که آن را اکثراً نگاه می کنم مکرر این بیت را از زبان یکی از مجریان برنامه شنیدم البته مکرر در چند برنامه (برق لچ) (تا نپاشد چوب تر/ فرمان نبرد گاو و خر) این بیت معرف طرز تربیتی بود که از قرون متمادی هم در خانواده ، مساجد بعداً در مکاتب اعمال می شد . این طرز تربیت تنها به چوب تر محدود نشده و انواع دیگر آن هم مرعی الاجراء بود از قبیل تحقیر، توهین ، مقایسه و محروم ساختن طفل از آنچه علاقه مند است. پس از احداث اولین مکتب در دوران زمامداری امیر حبیب الله خان و اعمار اولین دارالمعلمین که اولین دسته شاگردان آن از مساجد برخاسته بودند و در آنجا مشغول تحصیل شدند .

طرز و طریقه تعلیم و تربیت همان شیوه کهن و قدیمی مساجد بود و حتی بدتر از آن به خصوص که با کوچکترین غفلت از مقررات مطروحه مکتب در محضر تمام شاگردان پس از تحقیر و توهین سپس جزای فزونی انجام می شد . والدین فهمیده و ملا و مدرس ورزیده کسی بود که آزار و شکنجه اش بیشتر از دیگر والدین و مدرسین می بود . سعدی شاعر فرزانه هم به همین سبک تدریسی و تربیتی پابند بوده و چنانچه می گوید (جور استاد به زهر پدر )

این اشکال آزار، توهین، تحقیر و شکنجه در این حد مروج و معمول آن منحصر نمانده چنانچه پس از کودتای هفت ثور کلشنکوف و سلاح های کمربندی مانند تی، مکروف و غیره جاگزین چوب تر شدند به علاوه توهین، فحاشی توأم با تهدید باسلاح حتی کشتار وزندانی ساختن هم توسط مسئولین تربیتی، شیوهٔ تعلیم و تربیت معمول در این برهه زمانی بود.

این همه سبک و روش های نادرست از خانواده تا مسجد و بعد ها مکاتب به خصوص پس از دگرگونی ثور سبب ساز شدند تا آنهمه خشم های فروخورده و شخصیت های خرد و خمیر شده خروشان شود به مانند سیل مخرب جامعهٔ ما را فراگیرد و افراد جامعهٔ ما برای اعمار مجدد شخصیت های فروریخته و از هم پاشیده به اعمالی دست بزنند که هیچ مجنونی مرتکب آن نمی شود.

حال نظری به سیستم تعلیم و تربیت غرب می اندازیم.

ایوان پیتر و ویچ پاولوف دانشمند عالی مقام روانشناس، عصب شناس، فزیولوژیست و داکتر طب بود و این دانشمند روسی در سال ۱۹۰۱ میلادی کشف کرد که: سلول های مغز انسان به اساس تشویق فعال می شوند نه بر اساس تحقیر و تعذیب و شکنجه. پاولوف انقلاب بزرگی را در ساحه تعلیم و تربیت به وجود آورد. طرز تربیت و تعلیم گذشته غیر علمی و مطرود شناخته شد.

پاولوف با این کشف عظیم علمی به اخذ جایزهٔ نوبل مفتخر شد از آن زمان به بعد انقلابی در ساحهٔ تعلیم و تربیت رخ داد. روش های تربیتی که شامل انواع آزار و اذیت شکنجه بودند جای خود را به تشویق ترغیب دادند و ثمرهٔ آن انسانی بود سالم و یا با داشتن کمتر جراحات های روانی. منتظر نظریات و انتقادات می باشم.